

Multidimensional Barriers to Reducing Child Labor in Iran within the Implementation Framework of the Street Children Organization Regulation

Mitra Rahnejat * 

Assistant professor of Law and Political Science
Department in Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran.

Fatemeh Khorshidi 

Master of Public Policy, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran.

1. Introduction:

A healthy society is achieved when children grow up in a childlike environment and transition into adulthood. From this perspective, child labor is one of the serious issues that threatens the future of children and deprives society of having normal citizens. According to the International Labor Organization's (ILO) definition, child labor can be considered as the exploitation of children. Given the global nature of the multifaceted problem of child labor numerous governmental and non-governmental organizations worldwide have addressed this issue from various angles. ILO Conventions No. 138 and No. 182 emphasize the need for the prohibition of child labor and the elimination of its worst forms.

In Iran, this issue has also been given attention and policymakers have developed and implemented programs to address child labor and achieve a desired state. Among the latest initiatives in this field is the Regulation for the Organization of Street Children approved in 2005. Despite the implementation of the street children organization program, the problem persists and the number of working children in Iran has even increased. Therefore, it is essential to understand the barriers and dysfunctions of child labor reduction policies in Iran.

Thus, considering the significance of this issue and its impact on the present and future of children involved in the cycle of labor the present study aims to assess the obligations outlined in the latest regulation and investigate whether these obligations have been fulfilled and led to a reduction in child labor. It will also identify the obstacles in implementing this regulation.

* Corresponding Author: mitrasahnejat@yahoo.com

How to Cite: Rahnejat, M; KHorshidi, F. (2025). Multidimensional Obstacles to Reducing Child Labor in Iran in the Framework of Implementing the Street Children Organization Plan, *Journal of Social Work Research*, 12(43), .

2. Literature Review:

Various studies have been conducted on child labor addressing its social, economic, and legal dimensions. Vameqi (2019) estimated the population of child laborers in Iran, while the International Labor Organization (2022) examined the eradication of child labor in Myanmar. This organization focused on various factors, including attitudes toward child labor, related laws and the impacts of international interventions. Additionally, Montiyaba et al. (2024) discussed child labor in cocoa agriculture in the Global South. International organizations such as UNICEF in their studies (2025) have addressed the global situation of child labor. Alves et al. (2025) used meta-analysis to assess the impact of interventions on child labor.

At the national level, studies such as Naqizadeh and Miveyan (2018) have investigated actions in combating child labor. Furthermore, Naeini (2020) explored the harms of child labor regulation policies in Iran. Other studies such as Moltafet et al. (2021), examined the family and social conditions affecting child labor. Salarian et al. (2022) critically assessed child labor reduction policies globally finding that many of these policies have been unsuccessful. A common finding across these studies is that child labor remains a persistent issue in both the world and in Iran. This highlights the existence of barriers to the successful implementation of child labor reduction policies. Despite the research conducted on the issue of child labor no study has utilized the Decision-Accountability framework by StafleBeam to assess the obstacles to reducing child labor. This study using Staflebeam's Decision-Accountability theoretical framework, analyzes policy-making and aims to provide a systematic depiction of the barriers to the implementation of policies specifically focusing on the regulation for the organization of street children.

3. Methodology:

This study is qualitative and applied in nature, based on semi-structured interviews. In this method data were collected through interviews with experts and managers from organizations related to the issue of child labor. The interview questions were based on the fundamental questions of the Staflebeam decision-accountability evaluation approach. All interviews were recorded with the prior consent of the participants and were transcribed for more precise analysis. The resulting data after transcribing the interviews, were initially coded and related codes were categorized into thematic groups.

4. Results and Discussion:

The results of this study utilizing the Staflebeam decision-accountability framework revealed that the Regulation for the Organization of Street Children approved in

2005, has failed to overcome three key obstacles economic, institutional and political. At the economic level, inflation, unemployment, and the high proportion of the informal economy in the livelihoods of low-income households reproduce the demand for cheap child labor. At the institutional level the lack of sustainable funding, absence of an integrated data platform, lack of research and development and longitudinal and horizontal coordination issues among agencies indicate that the existing model is more "project-oriented" than "problem-oriented."

5. Conclusion:


In conclusion, short-term support interventions and the lack of strengthening household production capacity only result in the temporary displacement of children between the streets, welfare centers and back to the streets.

Keywords: Street Children, Child Labor, Child Work, Welfare Organization, Barriers




موانع چندبعدی کاهش کار کودک در ایران در چهارچوب اجرای طرح ساماندهی کودکان خیابانی

دانشیار گروه اقتصاد سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

میترا راه نجات * 

کارشناس ارشد سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

فاطمه خورشیدی 

چکیده

مسئله کار کودک، از مسائل مهمی است که تداوم آن علاوه بر ایجاد آسیب به جسم و روح کودک، سلامت یک جامعه را هم دچار اختلال می‌کند. برای حل این مسئله، سیاست‌های متفاوتی در جهان، تدوین و اجرا شده است. در ایران نیز برای حل این مسئله، چندین طرح اجرا شده است. اجرای آیین‌نامه «ساماندهی کودکان خیابانی» مصوب ۱۳۸۴ خورشیدی به‌عنوان آخرین آیین‌نامه در این زمینه نتوانسته است بر کاهش تعداد کودکان کار تأثیری بگذارد. هدف این پژوهش، بررسی موانع اجرای این آیین‌نامه مبتنی بر چهارچوب ارزیابی تصمیم‌پاسخ‌گویی دانیل استافل‌بیم است.

روش پژوهش حاضر، کیفی است. در این راستا ابتدا الزامات آیین‌نامه مذکور استخراج شده است. سپس با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته، چگونگی اجرای این الزامات بررسی شده است. این مصاحبه‌ها با افراد معجری آیین‌نامه، انجام شده است. انتخاب مشارکت‌کنندگان مصاحبه به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و بر مبنای معیار اشباع نظری انجام شده است. همچنین، برای تکمیل نمونه‌ها از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی بهره گرفته شده است. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی در فرایند اجرا با موانع اقتصادی، سیاسی و نهادی روبه‌رو بوده است. از جمله این موانع، نابسامانی اقتصادی، تورم شدید، بیکاری و نبود امکان نظارت بر بخش غیررسمی اقتصادی، ناهماهنگی بین بخشی، محدودیت بودجه و منابع مالی سازمان بهزیستی، مهاجرت بی‌رویه و غیرقانونی بین‌المللی و فقدان سیاست‌های مناسب دولتی در حوزه مهاجرت است.

واژه‌های کلیدی: کودکان خیابانی، کودکان کار، کار کودک، سازمان بهزیستی، موانع

بیان مسئله

جامعه سالم، جامعه‌ای است که در آن کودکان در جهانی کودکانه، آموزش می‌بینند و پرورش می‌یابند. توجه به آموزش و پرورش کودکان، مهارت لازم برای ورود به مرحله بزرگسالی را به آن‌ها می‌بخشد و این گروه مهم را به افرادی جامعه‌پذیر تبدیل می‌کند. ورود زودهنگام کودکان به دنیای بزرگسالان، نشان از جامعه‌ای است که دیگر نمی‌توان آن را سالم نامید. از جمله نمودهای این ورود زودهنگام، مسئله کار کودک است. پدیده‌ای که به مثابه مشکلی بزرگ، علاوه بر آن که آینده کودک را به مخاطره می‌اندازد، جامعه را نیز از داشتن شهروندان بهنجار محروم می‌نماید و در بیشتر مواقع، افرادی جامعه‌ستیز یا جامعه‌گریز برجای می‌نهد.

بر اساس تعریف سازمان بین‌المللی کار، کار کودک را می‌توان بهره‌کشی از کودک تعریف کرد. کاری که از نظر ذهنی، جسمی، اخلاقی و اجتماعی برای کودک، مضر باشد و بر منزلت و عزت‌نفس کودک تأثیر منفی بگذارد و باعث اختلال در تحصیل و آموزش او شود، کار کودک محسوب می‌شود (ILO, 2025). کودکان کار عبارت‌اند از: کودکان بین ۵ تا ۱۱ ساله که در هرگونه فعالیت اقتصادی شرکت می‌کنند، کودکان ۱۲ تا ۱۴ ساله‌ای که در کارهای پرخطر فعالیت دارند و کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ای که در بدترین اشکال کار کودک فعالیت می‌کنند (ILO, 2025).

با توجه به جهانی بودن مشکل چندوجهی کار کودک، نهادهای متعدد دولتی و غیردولتی در سراسر دنیا به بررسی این مشکل از زوایای مختلف پرداخته‌اند. تاکنون چندین کنوانسیون به مسئله کار کودک و کودکان کار پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به تشکیل کنوانسیون ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار در رابطه با حداقل سن در استخدام در سال ۱۹۷۳ میلادی اشاره کرد. در این کنوانسیون، هر یک از کشورهای عضو، موظف هستند با توجه به بسترهای اقتصادی و فرهنگی خود، حداقل سن را برای کار به‌عنوان یک قانون تصویب کنند (ILO, Minimum Age Convention, 1973).

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد آن است که برخی از اشکال کار کودک که از آن با عنوان اشکال سخت کار یاد می‌شود به دلیل طاقت‌فرسا و غیرانسانی بودن، لطمه زدن به عزت نفس و سلامت جسمانی و روانی کودک، باید در اولویت قرار بگیرند و برای حل آن، چاره‌ای اندیشیده شود. کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۹ میلادی در رابطه با ممنوعیت و اقدام فوری حذف بدترین اشکال کار کودک شکل گرفت. این کنوانسیون توصیه کرده است که هر چه سریع‌تر باید بدترین اشکال کار کودک در کشورها حذف گردد (Worst Forms of Child Labour Convention, 1999, ILO).

همچنین سازمان بین‌المللی کار با توجه به اهمیت مسئله کار کودک، برنامه بین‌المللی حذف کار کودک (ایپک) را تدوین و اجرا کرده است. تاکنون چندین برنامه جهانی و بین منطقه‌ای توسط ایپک برای حذف کار کودک انجام شده است. همچنین سال ۲۰۲۱ میلادی به عنوان سال بین‌المللی حذف کار کودک نام‌گذاری شد (ILO, 2021). بر اساس تخمین جهانی یونسف و سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۵ میلادی، کار کودک تقریباً ۱۳۸ میلیون کودک را تحت تأثیر قرار داده است. طبق این تخمین، ۷۸ میلیون نفر از آن‌ها پسر و ۵۹ میلیون نفر، دختر هستند. از میان ۱۳۸ میلیون کودک کار، ۵۴ میلیون نفر از آن‌ها به اشکال خطرناک کار کودک مشغول هستند (ILO&Unecf, 2025). در ایران، آمار رسمی دقیق و یکپارچه‌ای برای فهم تعداد کودکان کار و کودکان خیابانی در کشور موجود نیست و میان آمارهای رسمی دولتی و نهادهای مردم‌نهاد، تناقض‌هایی دیده می‌شود. با وجود این مهم، بر اساس گزارش سال ۱۴۰۳ سازمان بهزیستی کل کشور، ۵۶۱۰۴ کودک توسط مراکز تحت پوشش این سازمان، پذیرش شده‌اند و مورد حمایت قرار گرفته‌اند (گزارش سازمان بهزیستی کل کشور، ۱۴۰۳).

در ایران، سیاست‌گذاران در سال‌های اخیر، برنامه‌هایی را برای حل مشکل کار کودک و نیل به وضعیت مطلوب، تدوین و اجرا کرده‌اند. سازمان بهزیستی کل کشور به عنوان یک نهاد تخصصی برای حل مسائل اجتماعی، مسئله کار کودک را به عنوان یکی از مسائل مهم در کشور در دستور کار قرار داده است (سازمان بهزیستی، ۱۳۹۹). در کنار

این سازمان، سایر سازمان‌ها از جمله شهرداری، کمیته امداد و انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد به برنامه‌ریزی در حوزه کار کودک پرداخته‌اند. از جمله آخرین طرح‌هایی که سازمان بهزیستی کشور در این رابطه، متولی اجرای آن است، آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب ۱۳۸۴ خورشیدی است (آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، ۱۳۸۴).

به‌طور مشخص در رابطه با کودکان کار، تاکنون آیین‌نامه مستقل و مجزایی تدوین و مصوب نشده است و در اکثر سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌های اجرایی، میان دو مسئله «کودکان کار» و «کودکان خیابانی» تفکیک مفهومی و عملیاتی صورت نگرفته است و فقط کودکان کار در خیابان مورد توجه طرح‌های ساماندهی قرار گرفته است. در طرح‌های ساماندهی، سایر کودکان کار و اشکال کار کودک مانند کار در کارگاه‌ها یا بخش‌های اقتصادی، مورد توجه سیاست‌گذاران نبوده و این نوع اشکال کار، نادیده گرفته شده است. لذا این پژوهش از محتوای مربوط به کودک کار خیابانی در آیین‌نامه مذکور بهره می‌برد. به‌رغم اجرای طرح ساماندهی کودکان خیابانی، نه تنها مشکل مذکور پابرجاست بلکه به تعداد کودکان کار در ایران نیز افزوده شده است. حال آنچه ضروری است، فهم موانع و کژکارکردی‌های سیاست‌گذاری کاهش کار کودک در ایران است. به همین منظور، با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیر آن بر وضعیت امروز و آینده کودکان درگیر در چرخه کار، پژوهش حاضر با لحاظ آخرین آیین‌نامه، درصدد است نشان دهد که این آیین‌نامه از زمان اجرا تاکنون، چه الزاماتی برای کاهش کار کودک در نظر گرفته و آیا این الزامات تحقق‌یافته است و موجب کاهش کار کودک شده است یا خیر. سپس موانع اجرای آیین‌نامه را احصا نماید.

پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در باب مشکل کار کودک نشان می‌دهد که پژوهش‌های مختلفی از رویکردها و منظرهای متفاوت در این رابطه صورت گرفته است. تولایی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی، ضمن توجه به تأثیر عامل فقر بر کار کودک، نسبت میان

کار کودک و توسعه و رفاه اجتماعی را بررسی می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که فقر، عامل مهم و تأثیرگذاری در شکل‌گیری و تداوم کار کودک است. شیشه‌گران (۱۳۹۷) از منظر حقوقی به بررسی بزه دیده شناختی کودکان کار پرداخته و راه‌حل‌های ارائه‌شده گذشته در زمینه فراملی و ملی را مورد مذاقه قرار داده است.

نقی‌زاده و میوه‌یان (۱۳۹۷) از منظر حقوق بین‌الملل، کار کودک را به‌عنوان معضلی بین‌المللی شناخته و اقدامات جهانی و ملی در رابطه با کار کودک و ممنوعیت آن را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های دیگری به آسیب‌شناسی سیاست‌های ساماندهی کودکان کار در ایران پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، نائینی (۱۳۹۹) در پژوهشی، آسیب‌های سیاست‌های ساماندهی کودکان کار را ابهام در تعریف مسئله، نبود مرجعیت‌های شفاف در سیاست‌های رفاه اجتماعی و سیاست‌های ساماندهی کودکان کار در کشور، بی‌ثباتی سیاسی و گردش رادیکال سیاست‌ها تعیین می‌کند.

ملتفت و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از رهیافت نظریه داده‌بنیاد به جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها در حوزه کار کودک پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها در سه بُعد شرایط، تعامل و پیامد قرار گرفته است. شرایط بد خانواده کودک، نقص در جامعه‌پذیری، ترس از آینده، تصویر مخدوش کودک کار در نظر دیگران، از جمله یافته‌های پژوهش ملتفت و همکاران است. سالاریان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌شان به سیاست‌های کاهش کار کودک در جهان توجه نموده‌اند و با موضعی انتقادی به ارزیابی این سیاست‌ها پرداخته‌اند. نتیجه بررسی آن‌ها این است که بیشتر سیاست‌های کاهش کار کودک در جهان، نقاط ضعف مشترکی از جمله محدودیت و گسستگی دارند و موجب کاهش کار کودک نشده‌اند.

امیری و همکاران (۱۴۰۳) نیز از منظر حقوق بین‌الملل به منع کار کودک در کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار پرداخته‌اند و حقوق کار در ایران را با توجه به منع کار کودک، بررسی نموده‌اند. امرسون^۱ و همکاران (۲۰۱۷) از منظر یادگیری و آموزش به مسئله کار کودک پرداخته‌اند و تأثیر کار کودک بر یادگیری را بررسی کرده‌اند. در این

بررسی دریافته‌اند که کار کودک بر یادگیری کودک تأثیر منفی دارد و منجر به از دست دادن یادگیری او می‌شود.

رادفر و همکاران (۲۰۱۸) به عوامل مؤثر در کار کودکان پرداخته‌اند و نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و دسترسی نداشتن به آموزش را از مهم‌ترین عوامل کار کودک برشمرده‌اند. راموس^۱ (۲۰۱۸) با بررسی موردی سه کشور آمریکا، قزاقستان و مالاوی به نگرانی‌های حقوق بشری مرتبط با کار کودکان در تولید دخانیات پرداخته است و تأثیر کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، کنوانسیون بدترین اشکال کار کودکان سازمان بین‌المللی کار (ILO) و کنوانسیون ایمنی و بهداشت در کشاورزی ILO را بر شیوه‌های کار کودکان در تولید دخانیات بررسی کرده است. همچنین اقداماتی کلی برای رسیدگی به نگرانی‌های حقوق بشری مربوط به شیوه‌های کار کودکان در تولید دخانیات پیشنهاد کرده است.

وامقی (۲۰۱۹) در پژوهش خود، از منظر شمارش مستقیم و شمارش غیرمستقیم، اندازه جمعیت کودکان خیابانی و کودکان کار در ایران را برآورد کرده است. سازمان بین‌المللی کار (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی ریشه‌کنی کار کودکان در میانمار پرداخته است. این سازمان در این پژوهش، با بررسی نگرش نسبت به کار کودک، درک قوانین مربوط به کار کودک، عوامل اجتماعی، اقتصادی که کودکان را به کار سوق می‌دهد، نگرش نسبت به آموزش، انواع کارهایی که کودکان در آن‌ها مشغول هستند و میزان زمانی که صرف کار می‌کنند، تلاش کرده است که درک درستی از تأثیرات مداخلات سازمان بین‌المللی کار در مناطق پروژه را به دست آورد.

منتیابا^۲ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود به مشکلات اجتماعی و اقتصادی در کشورهای جنوب جهان پرداخته‌اند و دریافته‌اند که کار کودک، یکی از مشکلات جدی در این اقلیم به‌ویژه در بخش کشاورزی کاکائو است. سازمان بین‌المللی کار^۳ و یونیسف^۴

1. RAMOS
2. Mantiaba
3. International Labour Organization
4. Unicef

(۲۰۲۵) در پژوهشی به شرح وضعیت کودکان کار در جهان پرداخته‌اند و می‌گویند در سال ۲۰۱۵ میلادی، یکی از اهداف توسعه پایدار این بود که تا سال ۲۰۲۵، کار کودکان پایان یابد. این پژوهش همچنین گفته است که این جدول زمانی، اکنون به پایان رسیده است اما کار کودکان به پایان نرسیده است.

آلوز^۱ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهش‌شان، اثرات مداخلات بر کار کودکان را متاآنالیز می‌کند. از منظر این پژوهش، متاآنالیز شامل مطالعات تجربی است که ارزیابی کمی از اثرات بهبود را ارائه می‌دهند و تأثیرات مداخلات بر کار کودکان را گزارش می‌دهند. تانویر^۲ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهش خود به مسئله کار کودک به‌عنوان یک مسئله رایج و مهم در بخش کشاورزی پاکستان پرداخته‌اند. این پژوهش به بررسی عوامل اصلی کار کودک در خانوارهای بخش کشاورزی، از جمله فشارهای اقتصادی، فقدان منابع درآمد جایگزین و نداشتن دسترسی به آموزش پرداخته است.

نقطه مشترک پژوهش‌های انجام‌شده آن است که کار کودک به‌عنوان یک مشکل، همچنان در جهان و ایران، پابرجاست. این مهم، نشانگر آن است که موانعی بر سر راه سیاست‌های کاهش کار کودک، وجود دارد. با توجه به مطالعاتی که در رابطه با مشکل کار کودک انجام‌شده، مطالعه‌ای با چهارچوب ارزیابی تصمیم-پاسخ‌گویی استافل‌بیم در خصوص بررسی موانع کاهش کار کودک صورت نگرفته است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب نظری «تصمیم-پاسخ‌گویی» استافل‌بیم تلاش کرده است با تمرکز بر آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، تصویری نظام‌مند از موانع اجرای این سیاست ارائه دهد. نقطه قوت این پژوهش، آن است که به‌طور مشخص «فرایند اجرا» را به‌عنوان حلقه مفقوده در سیاست‌های کاهش کار کودک هدف قرار داده است. مطالعات گذشته هرچند در حوزه‌هایی چون تحلیل حقوقی، توصیف پیامدهای فردی و خانوادگی، آسیب‌شناسی عمومی سیاست‌ها و یا بررسی عوامل اجتماعی و

1. Alves
2. Tanveer

اقتصادی مؤثر بر کار کودک، بینش‌های ارزشمندی فراهم کرده‌اند اما اغلب از تبیین چرایی «شکاف بین تصمیم و اجرا» غفلت کرده‌اند.

این پژوهش با تمرکز بر این شکاف، می‌کوشد ابعاد ناکارآمدی سیاست ساماندهی کودکان کار را نه در سطح تقصیر یک نهاد خاص، بلکه در قالب یک منظومه درهم‌تنیده از موانع اقتصادی، نهادی و سیاسی تبیین کند. از این منظر، این پژوهش می‌تواند کاستی پژوهش‌های پیشین را در سه زمینه جبران کند:

الف. ارائه تحلیل فرایندی از نبود موفقیت سیاست: برخلاف مطالعاتی که بر نتایج یا آثار کار کودک متمرکز بوده‌اند، این پژوهش چرایی ناکامی در اجرای یک آیین‌نامه رسمی را واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد که حتی سیاست‌های خوب نیز ممکن است در سطوح اجرایی گرفتار موانعی شوند.

ب. تأکید بر سازوکارهای نهادی: درحالی‌که پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر تأثیر فقر، آموزش یا مهاجرت پرداخته‌اند، این مطالعه نگاهی چندسطحی به سیاست دارد.

ج. کاربست یک چهارچوب نو در بستر بومی: چهارچوب استافل‌بیم که عمدتاً در حوزه ارزیابی سیاست‌های رفاه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه به کار رفته است، در این پژوهش به صورت ابتکاری بر آیین‌نامه‌ای ایرانی تطبیق یافته است. این موضوع هم از نظر بسط نظری و هم از منظر کاربردی، افق‌های تازه‌ای برای تحلیل سیاست‌های اجتماعی در ایران می‌گشاید.

در نتیجه، پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان پلی میان مطالعات توصیفی، علی‌پیشین و نیاز به ارزیابی سیاستی در سطح اجرا عمل کند و به سیاست‌گذاران این پیام را برساند که مسئله کار کودک، نه با تدوین آیین‌نامه یا قوانین جدید، بلکه با فهم عمیق فرایندهای اجرایی، رفع موانع بین‌سازمانی و ایجاد بستر نهادی پایدار برای توانمندسازی، قابل حل است.

بینش نظری

پیش از بررسی آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی باید توجه داشت که تدوین این آیین‌نامه و توجه به کار کودک، پیشینه‌ای دارد و لازم است با نگاهی گذرا به این پیشینه، آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی را بررسی کرد. ممنوعیت کار کودک و تعیین حداقل سن برای استخدام در ایران، در قانون کار جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. این قانون در سال ۱۳۶۹ خورشیدی تصویب شده است. مواد قانونی ۷۹، ۸۰ و ۸۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، به ممنوعیت کار کودک و حداقل سن کار برای استخدام می‌پردازد (قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹).

برخلاف آن که قانونی مبنی بر ممنوعیت کار کودک وجود داشته و چند ماده قانونی در این راستا تصویب شده، این مشکل، رو به رشد بوده است. این نگرانی، سیاست‌گذاران را بر آن داشت تا بررسی و حل جدی مشکل را در دستور کار دولت قرار دهند. سازمان‌ها در حوزه کار کودک برای رفع این مشکل، به تدوین و اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی اهتمام ورزیدند. از دهه ۷۰ و در سال‌های پس از آن، چندین سیاست برای حل مسئله کار کودک، تدوین و اجرا شد که هر یک از آن‌ها نقاط ضعفی در برداشت. البته لازم به ذکر است که در حوزه سیاست‌گذاری مرتبط با کودکان در معرض آسیب در ایران، آیین‌نامه‌ای اختصاصی برای مسئله «کار کودک» تدوین و تصویب نشده است.

این امر به یک خطای مفهومی دامن زده که در آن، تنها کودکان کار خیابانی مورد توجه قرار گرفته است و سایر کودکان کار و اشکال کار کودک، نادیده انگاشته شده‌اند. سیر تحولات سیاست‌های ساماندهی کودکان کار، مجریان سیاست و دلایل اصلاح سیاست‌ها در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است:

جدول ۱- سیر تحولات رویکردها و سیاست‌های ساماندهی کودکان کار

ردیف	عنوان طرح	سال اجرا	مجری‌ها	ضعف و علت‌های اصلاح
۱	طرح تجهیز و راه‌اندازی مراکز جمع‌آوری، شناسایی و هدایت متکدیان و کودکان خیابانی	۱۳۷۸	معاونت امور اجتماعی استانداری شهرداری تهران اداره سرپرستی دادگستری تهران نیروی انتظامی تهران بزرگ	نگهداری متکدیان و کودکان خیابانی در یک مرکز و آسیب‌های جدی ناشی از این وضعیت
۲	طرح مراکز شناسایی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی	۱۳۷۸	سازمان بهزیستی نیروی انتظامی شهرداری	تداوم مشکل
۳	طرح ساماندهی کودکان خیابانی (مرحله اول: کودکان کار خیابانی)	۱۳۷۸	شهرداری نیروی انتظامی	تداوم مشکل
۴	تأسیس مراکز خانه سبز و خانه ریحانه	۱۳۷۸	شهرداری	ایجاد تغییراتی در شهرداری و واگذار کردن این مراکز به سازمان بهزیستی
۵	طرح ضربتی ساماندهی ۲۰ هزار کودک خیابانی	۱۳۸۱	سازمان بهزیستی نیروی انتظامی	رویکرد غیر صحیح جمع‌آوری به‌جای جذب
۶	طرح مهمانسرای سلامت کودکان خیابانی	۱۳۸۱	سازمان بهزیستی	تداوم مشکل
۷	طرح حمایت از کودکان کار	۱۳۸۲	سازمان بهزیستی	(این طرح مکمل طرح مهمان سرا بود.) تداوم مشکل
۸	آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی	۱۳۸۴	سازمان بهزیستی نیروی انتظامی وزارت دادگستری شهرداری سازمان صداوسیما سازمان فنی و حرفه‌ای سازمان تأمین اجتماعی سازمان بیمه خدمات درمانی وزارت آموزش و پرورش	_____

پس از آن، در سال ۱۳۸۳ خورشیدی، قانونی مبنی بر «قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» با هدف برقراری نظام تأمین اجتماعی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این قانون، در سال ۱۳۸۴ خورشیدی، هیئت وزیران آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی را تصویب کرده است (آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی، مصوب ۱۳۸۴). در این آیین نامه، رویکرد جمع آوری و مبلغان شهری در مسئله کودکان خیابانی و کودکان کار، حذف شده و رویکرد جذب و جلب اعتماد برای حل این مسئله، جایگزین شده است. این آیین نامه، شامل پنج فصل کلیات، روند اجرایی، وظایف سازمانها و نهادهای همکار در این ساماندهی، هماهنگی، نظارت و مقررات عمومی است که ویژگی های آن در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است:

جدول ۲- خلاصه نظام ساماندهی کودکان کار در ایران

مؤلفه	شرح	منابع/آمار
پایه قانونی	قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۳)	آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی (۱۳۸۴)
رویکرد اصلی	تغییر از «جمع آوری» به «شناسایی، جذب و توانمندسازی»	ماده ۱ آیین نامه ۱۳۸۴
ساختار مراکز	کوتاه مدت (۲۱ روز با تمدید) میان مدت (تا ۱ سال) بلند مدت (تا ۱۸ سالگی) مراکز روزانه (خدمات غیر اقامتی)	گزارش سازمان بهزیستی (۱۴۰۲)
وظایف نهادها	• بهزیستی: هماهنگی • وزارت کار: تسهیلات اشتغال • بهداشت: پوشش درمانی • آموزش و پرورش: پیشگیری	فصل ۳ آیین نامه
فرایند توانمندسازی	۱. تشکیل ۴ پرونده (تحصیلی، اجتماعی، سلامت، اقتصادی) ۲. تشخیص وضعیت خانواده ۳. مداخلات اختصاصی (حمایت، سلب حضانت، وام)	گزارش سازمان بهزیستی (۱۴۰۲)

<p>شیوه‌نامه پوشش بیمه افراد مجهول‌الهویه (۱۳۹۸)</p>	<p>• محدودیت بیمه درمانی برای افراد مجهول‌الهویه (۳ ماه) • عدم رسیدگی به اتباع غیرقانونی</p>	<p>چالش‌ها</p>
<p>گزارش سازمان بهزیستی کشور (۱۴۰۲)</p>	<p>۳۳ مرکز شبانه‌روزی ۶۸ مرکز روزانه • اولویت‌بندی: - زنان سرپرست خانوار - خانواده‌های دارای عضو معلول</p>	<p>آمارها</p>

ارزیابی، یکی از مراحل مهم در سیاست‌گذاری است. به این معنا که نباید چنین اندیشید هنگامی که یک آیین‌نامه تدوین و پس از آن اجرا شده، سیاست‌گذاری در آن حوزه به پایان رسیده است. بلکه پس از اجرا، باید مرحله ارزیابی سیاست آغاز گردد و به دستاوردها و نتیجه‌ها پرداخته شود. درباره اهمیت ارزیابی سیاست باید دانست که این مرحله مهم در چرخه سیاست‌گذاری، به بررسی اثربخشی مداخلات سیاستی و فرایندهای اجرا و موانع آن می‌پردازد و هدف آن، اصلاح سیاست و بهبود شرایط ذی‌نفعان و جامعه هدف یک سیاست است (اشتریان و امامی، ۱۳۹۱: ۹).

رویکردها و الگوهای ارزیابی در انواع مختلف تقسیم و طبقه‌بندی می‌شوند. از جمله رویکردهای ارزیابی، رویکردهای طبقه‌بندی‌شده توسط دانیل استافل‌بیم است. استافل‌بیم، رهیافت‌های شناسایی‌شده را در چهار طبقه رهیافت‌های کاذب، پرسش‌محور یا روش‌محور، مبتنی بر بهبود یا پاسخ‌گو محور و رهیافت‌های مبتنی بر مدافعه اجتماعی قرار می‌دهد (استافل‌بیم، ۱۳۸۹). ارزیابی در این پژوهش، مبتنی بر یکی از رویکردهای طبقه‌بندی‌شده توسط استافل‌بیم با عنوان رویکرد تصمیم - پاسخ‌گویی است. این رویکرد بر این اصل استوار است که فرایند ارزیابی باید به صورت پویا و فعال و آینده‌نگرانه، به ارتقای برنامه کمک نماید و مبنایی برای قضاوت درباره اثربخشی و کیفیت آن فراهم آورد (استافل‌بیم، ۱۳۸۹: ۹۲).

رویکرد تصمیم-پاسخ‌گویی بر ارزیابی فعال و بهبوددهنده یک سیاست تأکید دارد. این رویکرد بر این اصل کلیدی توجه دارد که هدف نهایی اکثر ارزیابی‌ها نه تأیید و اثبات، بلکه ارتقا و بهبود مستمر یک سیاست است. ارزیابی تصمیم-پاسخ‌گویی برای ارزیابی برنامه، الزامات آن را احصا کرده و به این مهم که الزامات تحقق‌یافته است یا خیر، می‌پردازد. به همین منظور، با توجه به مدل ارزیابی تصمیم-پاسخ‌گویی در گام اول، الزامات آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب ۱۳۸۴ خورشیدی طبق بندهای این آیین‌نامه، استخراج شده است. جدول شماره (۳)، الزامات و نهادهای متولی هر یک از آنها را نشان می‌دهد:

جدول ۳- الزامات کاهش کار کودک

ردیف	الزامات کاهش کار کودک	نهاد متولی
۱	ارائه تسهیلات اعتباری اشتغال‌زا به خانواده‌های جویای کار	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۲	آموزش رایگان مهارت‌های شغلی به خانواده کودکان	سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای
۳	صدور بیمه‌نامه‌های خدمات درمانی برای کودک و خانواده او	سازمان بیمه خدمات درمانی
۴	تحت پوشش درمان قرار دادن کودک و خانواده او بدون دریافت وجه	سازمان تأمین اجتماعی
۵	تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب و تأمین امکانات موردنیاز برای اجرای مراحل ساماندهی	سازمان شهرداری
۶	اقدامات فرهنگی و تبلیغاتی لازم برای آگاه‌سازی و فهم جامعه از مسئله	سازمان صداوسیما
۷	شناسایی دانش‌آموزانی که در معرض آسیب هستند و معرفی آن‌ها به مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی	وزارت آموزش و پرورش
۸	حمایت‌های لازم خانواده‌های تحت پوششی که کودک خیابانی دارند	کمیته امداد امام خمینی (ره)
۹	پیگیری‌هایی لازم بهزیستی اعم از تماس با خانواده کودک و یا بازدید از شرایط خانوادگی او پس از ترخیص کودک (برای پیشگیری از ایجاد مشکلات جدید و یا بازتولید مشکلات پیشین)	سازمان بهزیستی

موانع چندبعدی کاهش کار کودک در ایران در...، راه‌نجات و خورشیدی | ۱۰۱

مبتنی بر ارزیابی تصمیم-پاسخ‌گویی، پس از آن که الزامات طرح آیین‌نامه استخراج شد، با استفاده از پرسش‌های مشخص، بررسی می‌شود که آیا این الزامات، تحقق یافته است یا خیر. پاسخ به این پرسش بر اساس استانداردهای برنامه‌ریزی مطلوب ارائه می‌شود. یک برنامه موفق باید بتواند به اهداف تعیین شده دست یابد، نیازهای ذی‌نفعان را به شکلی کارآمد و مقرون‌به‌صرفه برآورده کند و در صورت لزوم، جایگزین‌های بهتری را مدنظر قرار دهد. ارزیابی مبتنی بر تصمیم-پاسخ‌گویی با استفاده از روش‌های متعددی به سرانجام می‌رسد. یکی از روش‌های به‌کارگیری این ارزیابی، مصاحبه است. منابع پرسش‌های این رویکرد، اشخاص و گروه‌هایی است که در جریان برنامه‌ریزی و اجرای یک سیاست، وظایف مشخصی را بر عهده داشته‌اند. چراکه کارشناسان و متولیان امر در اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، فهم نزدیک به واقعیتی از نقاط ضعف و قوت اجرای آیین‌نامه دارند و در جریان موانع اجرای آن هستند (استافل‌بیم، ۱۳۸۹: ۹۳).

چهارچوب مفهومی

چهارچوب مفهومی این پژوهش به تحلیل دو مفهوم کلیدی کاهش کار کودک و موانع اجرای سیاست‌های کاهش کار کودک می‌پردازد. پژوهش حاضر به‌طور خاص بر موانع اقتصادی، سیاسی و نهادی که بر اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی در ایران تأثیر می‌گذارند، تمرکز دارد. کاهش کار کودک به‌عنوان هدف اصلی بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی در سطح جهانی و محلی تعریف می‌شود.

مفهوم کاهش کار کودک در این پژوهش به‌طور ویژه به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن کودکان از چرخه کار خارج شده‌اند و به محیط‌های آموزشی، تربیتی و حمایتی هدایت می‌شوند. این مفهوم به‌عنوان هدف اصلی سیاست‌های کاهش کار کودک در سطح جهانی شناخته می‌شود که در آن، علاوه بر توجه به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها، فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برای کودکان نیز به‌عنوان یک راهکار کلیدی در نظر گرفته می‌شود. بر اساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO،

2025)، کاهش کار کودک تنها زمانی ممکن است که هم‌زمان با رفع مشکلات اقتصادی و تقویت ساختارهای حمایتی، به‌طورجدی به تقویت سیستم‌های آموزشی و پرورشی پرداخته شود.

موانع اجرای سیاست‌ها برای کاهش کار کودک در سه سطح اقتصادی، نهادی و سیاسی قابل‌تحلیل است. مانع اقتصادی در این پژوهش به مشکلات و چالش‌های مالی اشاره دارد که بر توانمندی دولت‌ها و نهادهای مختلف برای اجرای سیاست‌های کاهش کار کودک تأثیر می‌گذارد. مشکلاتی مانند فقر، بیکاری، تورم و اقتصاد غیررسمی در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه از جمله ایران باعث می‌شود که خانواده‌ها ناچار به فرستادن کودکان خود به کار شوند. بر اساس پژوهش‌های مختلف (Flavia Alves et al., 2025)، بحران‌های اقتصادی و فقر به‌طور مستقیم بر نرخ کار کودک تأثیر می‌گذارند.

بنابراین این مانع در سطح اجرایی می‌تواند سیاست‌های کاهش کار کودک را ناکارآمد کرده و تلاش‌ها را برای کاهش تعداد کودکان کار بی‌ثمر کند. مانع نهادی به مشکلات ساختاری و سازمانی در اجرای سیاست‌ها اشاره دارد. این موانع شامل کمبود هماهنگی بین نهادهای مختلف، ضعف در ساختار نظارتی، کمبود منابع و اطلاعات و نبود برنامه‌های منسجم و پایدار است. به‌طور مثال، پژوهش‌های نقی‌زاده و میوه‌یان (۱۳۹۷) نشان داده‌اند که بسیاری از سیاست‌ها به دلیل نداشتن همکاری و هماهنگی میان نهادها نمی‌توانند به‌طور مؤثر اجرا شوند. مانع سیاسی به چالش‌های ناشی از تحولات سیاسی، تغییرات در اولویت‌های دولت‌ها و بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد.

در کشورهایمانند ایران، تغییرات مداوم در برنامه‌های اجرایی باعث نبود استمرار و کارآیی سیاست‌ها می‌شود. به‌طور مثال، فقدان یک راهبرد ثابت برای مدیریت مهاجرت‌های غیرقانونی و مشکلات ناشی از نبود سیاست‌های مشترک برای حمایت از کودکان مهاجر، یکی از چالش‌های اساسی در اجرای سیاست‌های کاهش کار کودک است. این موانع به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه که با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌ای مواجه هستند، تأثیر عمیقی بر روند اجرای برنامه‌ها دارند (سالاریان و همکاران،

موانع چندبعدی کاهش کار کودک در ایران در...، راه‌نجات و خورشیدی | ۱۰۳

۱۴۰۱). در مجموع، این پژوهش بر اساس این سه بعد، به دنبال شناسایی موانع اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی است.

سؤالات پژوهش:

سؤالات پژوهش حاضر به صورت زیر است:

۱. موانع اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی و کاهش کار کودک در ایران

چيست؟

۲. چگونه می‌توان آیین‌نامه را اصلاح کرد و آن را بهبود داد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر ماهیت، پژوهشی کیفی و کاربردی و مبتنی بر مصاحبه نیمه ساختاریافته است. در این روش، داده‌ها از طریق مصاحبه با کارشناسان و مدیران نهادهای مرتبط با مسئله کودک کار جمع‌آوری شده است. انتخاب مشارکت‌کنندگان به صورت نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اشباع نظری انجام شده است. برای تکمیل نمونه‌ها، از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است.

داده‌ها پس از ضبط، به صورت متنی پیاده‌سازی شده و با تحلیل مضمون کدگذاری شده است تا تم‌ها و مفاهیم موانع اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی استخراج شود. این روش به منظور درک عمیق‌تر موانع اجرایی انتخاب شده است. پرسش‌های مصاحبه مبتنی بر پرسش‌های اساسی رویکرد ارزیابی تصمیم-پاسخ‌گویی استافل‌بیم است. مدت‌زمان هر مصاحبه بسته به سطح مشارکت، بین ۶۰ تا ۱۲۰ دقیقه متغیر بود.

همه مصاحبه‌ها با اجازه قبلی مشارکت‌کنندگان ضبط شد و سپس برای تحلیل دقیق‌تر، به صورت متنی پیاده‌سازی شد. داده‌های حاصل، پس از پیاده‌سازی مصاحبه و تبدیل آن‌ها به متن، کدگذاری اولیه شد و کدهای مشابه در یک دسته‌بندی تماتیک، طبقه‌بندی شد

۱۰۴ | فصلنامه علمی پژوهشنامه مددکاری اجتماعی | سال دوازدهم | شماره ۴۳ | بهار ۱۴۰۴

(خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۶۷). حجم نمونه پژوهش، شامل ۱۰ مشارکت کننده، بر اساس معیار اشباع داده‌ها و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تعیین شد. اطلاعات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره (۴) درج شده و قابل مشاهده است:

جدول ۴- مشخصات شرکت کنندگان در مصاحبه نیمه ساختاریافته

ردیف	کد اختصاری
۱	F1
۲	F2
۳	F3
۴	F4
۵	F5
۶	F6
۷	F7
۸	F8
۹	F9
۱۰	F10

در راستای اعتباریابی پژوهش کیفی حاضر، از سه معیار اعتبارسنجی باورپذیری، تأییدپذیری و قابلیت اطمینان بهره گرفته شد. برای باورپذیری و تأیید درستی یافته‌ها، نسخه‌های ویرایش شده مصاحبه‌ها و تحلیل‌های اولیه برای بازبینی در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت تا صحت داده‌ها و تفسیرها مورد تأیید یا اصلاح قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش:

تحلیل مضمون مصاحبه‌های انجام شده، دو تم اصلی زیر را نشان می‌دهد:

الف) موانع اجرا

تم موانع اجرا، به‌عنوان اولیتم اصلی در تحلیل مضمون انجام‌شده، استخراج‌شده است. اینتم، خود به تم‌های فرعی موانع اقتصادی، موانع نهادی و موانع سیاسی اجرای آیین‌نامه تقسیم می‌شود. افراد مصاحبه‌شونده معتقد هستند که به‌رغم جذب و پذیرش و ساماندهی کودکان کار، کاهش کار کودک اتفاق نیفتاده است و آیین‌نامه موجب کاهش کار کودک نشده است.

جدول ۵- تم‌های فرعی شناسایی‌شده مرتبط با تم اصلی موانع اجرا

کد	تم فرعی	تم اصلی
	اقتصادی	موانع اجرا
شرایط نابسامان اقتصادی		
تورم شدید		
بیکاری		
عوامل ریشه‌ای مؤثر بر کار کودک		
نبود امکان نظارت بر بخش غیررسمی اقتصادی	نهادی	
نداشتن پذیرش نهاد هماهنگ‌کننده توسط برخی از مجریان		
نبود سامانه یکپارچه اطلاعات کودکان کار		
برداشت سلیقه‌ای نسبت به کودکان کار		
نبود مرکز تحقیق و توسعه کاهش کار کودک		
محدودیت بودجه و منابع مالی سازمان بهزیستی	سیاسی	
ناهماهنگی بین بخشی		
تغییرات سیاسی و جابه‌جایی دولت‌ها		
مهاجرت بی‌رویه و غیرقانونی بین‌المللی		
فقدان سیاست‌های مناسب در حوزه مهاجرت		

- اقتصادی

از جمله موانعی که بر سر راه اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار قرار گرفته است، موانع اقتصادی است. شرایط نابسامان و وضعیت بد اقتصادی موجب می‌شود که این آیین‌نامه به الزامات و اهداف خود دست نیابد و تعداد کودکان کار در جامعه کاهش نیابد.

F3 در رابطه با شرایط نابسامان اقتصادی می‌گوید:

«سازمان بهزیستی در حوزه آموزش به کودکان، تا الآن به موفقیت‌هایی دست پیدا کرده و عملکرد مثبتی دارد اما در حوزه توانمند کردن کودک و خانواده او، موفق نبوده است. وضعیت بد اقتصادی و شرایط نابسامان در این حوزه، باعث می‌شود ما نتوانیم آن‌طور که باید به هدف کاهش کار کودک برسیم.» (F3)

F1 درباره بیکاری و تأثیر منفی آن بر توانمند کردن کودک کار و خانواده او و نیل به

هدف کاهش کار کودک، معتقد است:

«توانمندسازی در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت به نتیجه نمی‌رسد و نیازمند برنامه‌ریزی است. متأسفانه باید بگوییم که شرایط و وضعیت بد اقتصادی کشور، توانمندسازی خانواده‌های دارای کودک کار و ایجاد یک شغل پایدار برای اعضای بزرگسال خانواده را بسیار دشوار کرده است. این شرایط، در توانمندسازی خانواده‌های دارای کودک کار اختلال ایجاد کرده است.» (F1)

F4 نیز در این رابطه می‌گوید:

«ما نمی‌توانیم ریشه‌ها و عوامل اقتصادی مؤثر بر کار کودک را حل کنیم. در حالی که این عوامل اقتصادی بسیار مهم هستند و متأسفانه شرایط بد اقتصادی، تأثیرات منفی بسیار زیادی بر کار کودک می‌گذارند و منجر به افزایش کودکان کار می‌شوند. ما هرچقدر تلاش کنیم که این کودکان را ساماندهی کنیم، کودکان دیگری در روزها و هفته‌های بعد به جمعیت کودکان کار اضافه می‌شوند.» (F4)

- نهادی

یکی دیگر از موانعی که کاهش کار کودک را دچار اختلال می‌کند، موانع نهادی است. این موانع از منظر افراد مصاحبه‌شونده، نداشتن پذیرش نهاد هماهنگ‌کننده توسط برخی از مجریان، نبود سامانه یکپارچه اطلاعات کودکان کار، برداشت سلیقه‌ای نسبت به کودکان کار، نبود مرکز تحقیق و توسعه کاهش کار کودک، محدودیت بودجه و منابع مالی سازمان بهزیستی و ناهماهنگی بین بخشی است.

F2 محدودیت بودجه و منابع مالی را مانعی جدی برای کاهش کار کودک عنوان

می‌کند و می‌گوید:

«سازمان برنامه‌و بودجه در این حوزه حمایت‌های کافی مالی و بودجه‌ای را انجام نداده است. در پیگیری، باید تمام اعضای خانواده مورد توجه قرار بگیرد و مشکلات خانواده مانند اعتیاد پدر و یا بیماری والدین حل شود. در این حوزه، پیگیری‌هایی که به حضور مددکار اجتماعی مرتبط است انجام شده ولی پیگیری نظام‌مند همه‌جانبه و حل مشکلات خانواده به دلیل کمبود بودجه انجام نشده است. سازمان بهزیستی در مراکز روزانه حمایتی از سال ۹۲ به بعد، سمن‌ها و نهادهای مردمی را درگیر پیگیری کرده است، اما به دلیل کمبود بودجه، این پیگیری از سوی نهادهای مردمی نیز به خوبی انجام نشده است. چراکه بخشی از پیگیری مذکور، به توانمند شدن خانواده مرتبط است و این امر، بودجه‌ای مجزا می‌طلبد.» (F2)

F1 نیز در این رابطه می‌گوید:

«منابع مالی سازمان بهزیستی بسیار کم است و این مقدار بودجه تنها صرف شناسایی و جذب کودک می‌شود و توانمندسازی آن محقق نخواهد شد. همین چند سال پیش، کل اعتبارات ما برای ساماندهی و توانمندسازی کودکان کار، ۱۸ میلیارد تومان بود و سال بعد، ۱۱ میلیارد تومان به این حوزه اختصاص داده شد. در همان سال یادم هست که در اخبار گفته شد ۲ و نیم کیلومتر بزرگراه شهید صیاد شیرازی افتتاح شد و برای ۲ و نیم کیلومتر، ۵۵ میلیارد تومان هزینه شد. بنده

حساب کردم که هر کیلومتر بزرگراه، ۲۲ میلیارد تومان هزینه دارد. در همان سال هم مصاحبه کردم و گفتم که ما ۱۳۰۰۰ هزار کودک با ۱۱ میلیارد تومان پذیرش کردیم. منابع مالی و مقدار بودجه در این حوزه، نشان می‌دهد که ارزش این تعداد کودکان کار ما از یک کیلومتر بزرگراه هم کمتر است!» (F1)

F6 در رابطه با نبود مرکز تحقیق و توسعه به عنوان یک چالش مهم می‌گوید: «به نظر من جدی‌ترین چالش در این حوزه این است که ما یک مرکز تحقیق و توسعه کاهش کار کودک نداریم. مسئله کار کودک نیاز به مطالعات عمیق و کارشناسی و تخصصی دارد که این مطالعات در بازه‌های زمانی مشخص به‌روز شوند.» (F6)

F7 به وجود نگاه و برداشت‌های سلیقه‌ای نسبت به مسئله کودکان کار به عنوان یک مانع مهم برای کاهش کار کودک اشاره دارد:

«ببینید ما در نهادهای دولتی، می‌خواهیم دو روزه همه مسائل اجتماعی را حل کنیم. همین نبود تخصص باعث می‌شود در مورد مسئله اجتماعی مهمی مثل کودک کار، نگاه‌ها و برداشت‌های سلیقه‌ای در اجرا و در فهم مفاهیم وجود داشته باشد.» (F7)

F1 درباره مانع ناهماهنگی بین بخشی می‌گوید:

«از چالش‌های مهم اجرای آیین‌نامه در آغاز، هماهنگی کردن دستگاه‌های متولی بود. بعضی از نهادها، با وجود تصویب و انتشار طرح، در جریان تکالیف و وظایف خودشان نبودند و از طرفی بعضی دیگر از نهادهای همکار به‌رغم اطلاع پیدا کردن از وظایف خود، در راستای اجرای آن همکاری لازم را نداشتند. همین مانع به اجرای آیین‌نامه خدشه‌ای جدی وارد کرد. به عنوان نمونه بگویم سازمان شهرداری، آمار کودکان کاری را که جذب کرده است به ما نداده و برای یکپارچه کردن سامانه کودکان کار با همکاری نمی‌کند. حتی در بعضی از سال‌ها، با این که بر اساس آیین‌نامه وظیفه دارد که تجهیزات در اختیار ما قرار دهد، برای تبلیغات محیطی همکاری لازم را با ما نداشته است.» (F1)

- سیاسی

موانع سیاسی کاهش کار کودک، تغییرات سیاسی و جابه‌جایی دولت‌ها، مهاجرت بی‌رویه و غیرقانونی بین‌المللی و نبود سیاست‌های مناسب در حوزه مهاجرت است. برخی از افراد مصاحبه‌شونده، یکی از موانع اجرای این آیین‌نامه را تغییرات سیاسی در کشور می‌دانند. F8 در این رابطه می‌گوید:

«من یادم هست که همان زمان پس از تدوین آیین‌نامه، با تغییر دولت و آمدن رئیس‌جمهور جدید، آیین‌نامه در ابتدا اجرا نشد و چند سال در اجرای آن وقفه افتاد. در حقیقت تا جایی که یادم می‌آید، اجرای این آیین‌نامه به‌طور جدی از سال ۹۲ شروع شد.» (F8)

مهاجرت بی‌رویه و غیرقانونی بین‌المللی، یکی دیگر از موانع جدی کاهش کار کودک عنوان می‌شود. F3 در این باره توضیح می‌دهد:

«ما در سال ۸۴، با مسئله کودکان کار اتباع و مهاجرت بی‌رویه آن‌ها مواجه نبودیم. اما در حال حاضر، یکی از مسائل اصلی ما در حوزه کار کودک، مهاجرت‌های غیرقانونی و تعداد بالای کودکان کار اتباع است.» (F3)

ب) بهبود و اصلاح

تم بهبود و اصلاح، به‌عنوان تم اصلی دوم در تحلیل مضمون استخراج شده است. این تم اصلی به تم‌های فرعی فرهنگ‌سازی در جامعه، سازمان‌دهی نهادی و تمرکز بر توانمندسازی کودک و خانواده او دسته‌بندی می‌شود. از منظر مصاحبه‌شوندگان، تمرکز بر تم‌های فرعی گفته‌شده در تم اصلی دوم، موجب بهبود وضعیت می‌شود و به کاهش کار کودک می‌کند. لذا در اصلاح آیین‌نامه باید این نکات را لحاظ نمود. جدول شماره (۶)، تم‌های فرعی شناسایی شده مرتبط با تم اصلی بهبود و اصلاح را نشان می‌دهد:

جدول ۶- تم‌های فرعی شناسایی شده مرتبط با تم اصلی بهبود و اصلاح

تم اصلی	تم فرعی	کد
بهبود و اصلاح	فرهنگ‌سازی در جامعه	آموزش حقوق کودک به جامعه
		اقدامات تبلیغی، فرهنگی و رسانه‌ای مقابله با کار کودک
		تولید و ترویج گفت‌وگو کاهش و حذف کار کودک
	سازمان‌دهی نهادی	مشارکت فرایندهای نهادهای مردمی
		تقویت نگاه تخصصی و کارشناسی و جلوگیری از نگاه‌های سلیقه‌ای
		هماهنگی بین بخشی
		دیده‌بانی و تهیه پیوست اجتماعی برای سیاست‌های کلان در همه حوزه‌ها
		تدوین و اصلاح سیاست‌های حوزه مهاجرت
		کارآمدسازی نظام ارزیابی
	تمرکز بر توانمندسازی کودک و خانواده او	توسعه و تقویت آموزش مهارت‌های مراقبت از خود به کودکان کار
		حل عوامل مؤثر بر کار کودک

- فرهنگ‌سازی در جامعه

آموزش حقوق کودک به جامعه، اقدامات تبلیغی، فرهنگی و رسانه‌ای مقابله با کار کودک، تولید و ترویج گفت‌وگو حذف کار کودک به بهبود وضعیت، کمک بسیاری می‌کند. F6 در این رابطه معتقد است:

«در حوزه فرهنگی، شهرداری می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بگذارد. آگاه‌سازی جامعه در رابطه با حقوق کودک باید انجام بشود. حقوق کودک باید در جامعه نهادینه شود. حقوق کودکان را باید به مردم درس داد و آن‌ها را نسبت به این امر مهم آگاه کرد. وقتی نگاه جامعه نسبت به حقوق کودکان تغییر کند، شرایط برای کودکان کار و کاهش کار آن‌ها بهبود خواهد یافت. اگر جامعه آگاه شود، ساماندهی کودکان، بهتر انجام می‌شود.» (F6)

- سازمان‌دهی نهادی

ازجمله راهکارهای بهبود ساماندهی کودکان خیابانی و نیل به هدف کاهش کار کودک، سازمان‌دهی نهادی است. مشارکت فزاینده نهادهای مردمی، تقویت نگاه تخصصی و کارشناسی و جلوگیری از نگاه‌های سلیقه‌ای، هماهنگی بین بخشی، دیده‌بانی و تهیه پیوست اجتماعی برای سیاست‌های کلان در همه حوزه‌ها و تدوین و اصلاح سیاست‌های حوزه مهاجرت، مواردی است که لحاظ نمودن آن‌ها در این حوزه، تأثیر بسزایی در کاهش کار کودک دارد.

F1 در رابطه با تهیه و تدوین و اصلاح سیاست‌های حوزه مهاجرت می‌گوید:

«بیش از ۸۰ درصد کودکان کار در تهران و بیش از ۶۰ درصد آن‌ها در کل کشور، کودکان مهاجر هستند. این گروه، چالشی جدی در زمینه اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی ایجاد کرده است. از طرفی مراکز نگهداری کودکان کار و کودکان خیابانی محدود است و امکان اقامت بلندمدت برای این گروه وجود ندارد. در این مورد حتماً باید سیاست‌های مهاجرتی اثرگذار تدوین کنیم و رویکردمان نسبت به مهاجرت‌های بی‌رویه را مشخص کنیم و یک فکری به حال این کودکان اتباع بکنیم.» (F1)

F10 درباره مشارکت فزاینده سازمان‌های مردم‌نهاد معتقد است:

«در حوزه اجتماعی، به‌ویژه در حوزه کودکان کار باید ظرفیت‌های مردمی تقویت شود. من معتقدم که استفاده از ظرفیت‌های مردمی در مسئله کودکان کار می‌تواند آمار کودکان کار را کاهش دهد.» (F10)

دیده‌بانی و تهیه پیوست اجتماعی برای سیاست‌های کلان در همه حوزه‌ها ازجمله مواردی است که می‌تواند بر کاهش کار کودک تأثیری مثبت بگذارد. F8 در این رابطه بر این باور است که وزارت رفاه باید مسئولیت این دیده‌بانی را بر عهده بگیرد:

«یکی از وظایف وزارت رفاه، دیده‌بانی سیاست‌های کلان اقتصادی و دیگر حوزه‌هاست. وزارت رفاه باید این سیاست‌هایی را که در حال اجرا هستند و یا سیاست‌هایی که در دست تدوین هستند، بررسی کند و تأثیر آن‌ها بر فقر و دیگر عوامل ریشه‌ای کار کودک را بسنجد.» (F8)

- تمرکز بر توانمندسازی کودک و خانواده

از آنجایی که کودک کار همواره در معرض آسیب و خطر است، توسعه و تقویت آموزش مهارت‌های مراقبت از خود به کودکان کار موجب می‌شود که کودک کار در شرایط مخاطره‌آمیز بتواند از خود دفاع کند.

F7 در رابطه با تقویت آموزش مهارت‌های مراقبت از خود می‌گوید:

«کودکان کار باید آموزش‌ها و مهارت‌های خاص خود را داشته باشند. همان‌طور که می‌دانید کودکان کار در معرض سوءاستفاده‌های مالی، امنیتی و جنسی قرار دارند. به همین دلیل، مهارت‌ها و آموزش‌هایی که مبتنی بر آگاهی و مراقبت از خود باشد باید به این کودکان داده شود.» (F7)

F2 در رابطه با بررسی و حل عوامل مؤثر بر کار کودک توضیح می‌دهد:

«هر یک از عوامل مؤثر بر کار کودک باید به صورت دقیق بررسی شود و بر روی آن مطالعه شود و برای حل آن تلاش شود. مثلاً باید وقت بگذاریم و ببینیم دلایل مهاجرت از روستا به شهرها چیست و چگونه می‌توانیم این مهاجرت را کاهش بدهیم. یا این که باید تلاش کنیم که مهاجرت به کشورمان را بررسی کنیم و برای آن برنامه منسجم داشته باشیم و در نهایت تصمیم بگیریم که چه طرحی برای حل عوامل ریشه‌ای داریم و چگونه می‌توانیم این عوامل و این اثرات منفی را برطرف کنیم.» (F2)

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب تصمیم- پاسخ‌گویی استافل‌بیم، آشکار ساخت که آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب ۱۳۸۴، برای عبور از سه سطح مانعی اقتصادی، نهادی و سیاسی ناکام بوده است. موانعی که همچون حلقه‌های یک سیستم پیچیده، به محض مداخله در یکی، دیگری را فعال می‌کنند و میدان عمل سیاست را تنگ‌تر می‌سازند. از منظر اقتصادی، تورم، بیکاری و سطح بالای بخش غیررسمی اقتصاد در

معیشت خانوارهای کم‌درآمد، تقاضا برای نیروی کار ارزان‌کودک را بازتولید می‌کند و مداخله‌های حمایتی کوتاه‌مدت و فقدان تقویت توان تولیدی خانوار، تنها جابه‌جایی موقت کودکان میان خیابان، مراکز حمایتی و دوباره خیابان را رقم می‌زند.

افزون بر این، شواهد تجربی و پژوهش‌های پیشین در این حوزه نیز حاکی از آن است که میان فقر و گسترش کار کودک، رابطه همبستگی وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه میزان فقر و محرومیت اقتصادی در جامعه افزایش یابد، احتمال گسترش کار کودک در آن جامعه بیشتر خواهد شد. به عنوان مثال، پژوهش تولایی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده که فقر به عنوان عامل اصلی تداوم کار کودک در ایران مطرح است.

همچنین رادفر و همکاران (۲۰۱۸) بر نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و دسترسی نداشتن به آموزش به عنوان عوامل کلیدی کار کودک تأکید کرده‌اند، درحالی که ثانویر و همکاران (۲۰۲۵) محرک‌های اقتصادی مانند فشارهای مالی و فقدان منابع درآمد جایگزین را برجسته می‌سازند. افزون بر این، پژوهش‌های بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی کار (۲۰۲۲) به عوامل اقتصادی، اجتماعی مانند نابرابری و دسترسی ناکافی به آموزش در مسئله کار کودک اشاره کرده‌اند.

در سطح نهادی، کمبود بودجه پایدار، فقدان پایگاه داده یکپارچه، نبود پژوهش و توسعه و ناهماهنگی طولی و عرضی دستگاه‌ها نشان می‌دهد که الگوی موجود، بیشتر «پروژه محور» است تا «مسئله محور». نتیجه این امر، ناتوانی در توانمندسازی و اتلاف ظرفیت‌های میان‌بخشی است. موانع نهادی مانند نبود یک سیستم یکپارچه برای شناسایی و پیگیری کودکان کار و نبود برنامه‌های حمایتی پایدار در پژوهش‌های نقی‌زاده و میوه‌یان (۱۳۹۷) نیز ذکر شده است. علاوه بر این، ملتفت و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از نظریه داده بنیاد، نقص در جامعه‌پذیری و تصویر مخدوش کودک کار را به عنوان عوامل نهادی برجسته کرده‌اند، درحالی که سالاریان و همکاران (۱۴۰۱) نقاط ضعف مشترک سیاست‌های جهانی کاهش کار کودک، مانند محدودیت و گسستگی را موردانتقاد قرار داده‌اند که با چالش‌های نهادی ایران هم‌راستا است.

در سطح سیاسی، تغییر اولویت‌های دولت‌ها و فقدان سیاست صحیح برای مدیریت مهاجرت به‌ویژه مهاجرت‌های غیرقانونی از کشورهای همسایه موجب شده بخش بزرگی از کودکان کار، عملاً از سطح قوانین کار، نظام بیمه و نظام آموزشی کشور خارج بمانند و کارآیی آیین‌نامه در استان‌های مهاجرپذیر به حداقل برسد. ضرورت اصلاح ساختارهای اجرایی و تدوین سیاست‌های بلندمدت و منسجم برای حل این مسئله در پژوهش‌هایی مانند پژوهش‌های شیشه‌گران (۱۳۹۷) و نائینی (۱۳۹۹) تأکید شده است.

برهم‌نهی این سه مانع، نشان می‌دهد مسئله کار کودک در ایران از جنس مسائل پیچیده است. مداخله خطی در یک گره مثلاً جمع‌آوری خیابانی یا پرداخت یارانه نقدی، بلافاصله آثار ناخواسته‌ای در گره‌های دیگر از تشدید مهاجرت تا افزایش کارگاه‌های زیرزمینی ایجاد می‌کند. ملاحظات نظری این پژوهش نشان داد که استمرار رویکرد «جذب بدون توانمندسازی»، نه تنها اثربخش نیست بلکه به علت هزینه بالای آن، خود به عاملی برای تشدید نابرابری بدل می‌شود.

به‌طورکلی باید گفت آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی در دو دهه گذشته در باتلاق سه سطح مانعی گرفتار بوده و تا زمانی که این موانع اقتصادی، نهادی و سیاسی به‌صورت ریشه‌ای برطرف نشوند، هر اصلاح موضعی صرفاً مشکل را از خیابان به لایه‌های پنهان اقتصاد غیررسمی منتقل خواهد کرد. در کنار این نتیجه‌گیری، محدودیت‌های پژوهش نیز قابل چشم‌پوشی نیست. از محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. نبود یک برآورد دقیق از تعداد و وضعیت کودکان کار در کشور: هیچ‌یک از سازمان‌های متولی، برآورد دقیق و جامعی از وضعیت و تعداد کودکان کار در کشور ندارند و همچنین هیچ برنامه پایش و رصد جامعی نیز در کار نیست. تنها سازمانی که به‌قدر امکانات، توانسته آمار قابل‌استفاده و استنادی در این رابطه تهیه نماید، سازمان بهزیستی کل کشور است.

ب. در دسترس و پاسخ‌گو نبودن برخی از متولیان: در جریان پژوهش، برخی از مدیران و کارشناسانی که در این باره مسئولیت داشته و یا در حال حاضر، دارای مسئولیت هستند، پاسخ‌گو نبودند.

ج. ناآگاهی برخی از متولیان: برخی از کارشناسان و مدیران این حوزه، از بندها و شرح وظایف نوشته‌شده در آیین‌نامه اطلاعی نداشتند و در رابطه با عملکرد گذشته سازمان خود و گزارش‌های عملکرد، اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند.

پیشنهادها:

با لحاظ همه آنچه گفته شد، ضروری است برای نیل به هدف کاهش کار کودک به پیشنهاد‌های سیاستی زیر توجه شود. همچنین برای توسعه پژوهش در این حوزه، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در این موضوعات، به تولید ادبیات پژوهشی بپردازند:

الف. حساس کردن افراد جامعه به کار کودکان و فرهنگ‌سازی در این رابطه در این باره، آموزش حقوق کودک به جامعه، اقدامات تبلیغی، فرهنگی و رسانه‌ای مقابله با کار کودک، تولید و ترویج گفت‌وگو حذف کار کودک به بهبود وضعیت و کاهش کار کودک کمک بسیاری می‌کند. لذا در کنار جذب و پذیرش و ساماندهی کودکان کار، باید شهروندان جامعه را نسبت به کار کودک حساس کرد و حذف کار کودک را تبدیل به یک گفت‌وگو و خواست جمعی نمود.

ب. نگارش پیوست اجتماعی برای سیاست‌های کلان در همه حوزه‌ها برخی از سیاست‌های موجود در کشور، بر فقر و در ادامه آن، بر کار کودک تأثیر منفی دارند و اجرای آن‌ها موجب افزایش تعداد کودکان کار می‌شود. در این باره باید تأثیر هر یک از سیاست‌های تدوین شده، پیش از اجرا بر کار کودک سنجیده شود و از اجرای سیاست‌هایی که موجب افزایش کودکان کار می‌گردد، جلوگیری شود. ضروری است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، روندهایی را در برنامه‌های اجرایی دولت فعال نماید تا در نتیجه آن، نهادهای دولتی در اجرای برنامه‌های خود، ملزم به تهیه و نگارش پیوست اجتماعی شوند.

ج. تدوین و اصلاح سیاست‌های مهاجرت

درصد زیادی از کودکان کار در ایران را کودکان مهاجر و اتباع تشکیل می‌دهند. لذا این کودکان، چالشی جدی در کاهش کار کودک در ایران ایجاد می‌کنند. سیاست‌های ساماندهی کودکان کار با فرض موفقیت در اجرا در نهایت نمی‌توانند آن‌طور که باید، به کاهش کار کودک منتج گردند. چرا که روند مهاجرت غیرقانونی کودکان اتباع و حضور آن‌ها در خیابان و کارگاه‌ها ادامه دارد. افزون بر آن، کودکان اتباع، اوراق هویتی مشخصی ندارند و هم‌چنین سازمان بهزیستی برای ساماندهی آن‌ها با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. لذا ضروری است که سیاست‌های مهاجرتی اثرگذار در این باره تدوین شود.

د. کارآمدسازی نظام ارزیابی

ارزیابی سیاست‌ها اهمیت ویژه‌ای در بهبود و ارتقای آن‌ها دارد. ارزیابی پیش از اجرا و هنگام اجرا، نقاط ضعف و چالش‌های یک سیاست را نمایان می‌کند و می‌تواند در برطرف کردن آن‌ها مؤثر باشد. در این باره باید نظام ارزیابی سیاست در ایران، کارآمد شده و یک سیاست در بازه‌های زمانی مشخص، پیش از اجرا، شاخص‌گذاری شود و هنگام اجرا و پس از آن، مورد بازبینی و ارزیابی قرار بگیرد.

سپاسگزاری:

سپاس از جناب آقای دکتر حبیب‌اله مسعودی فرید، معاون اجتماعی وقت سازمان بهزیستی کل کشور و کارشناسان محترم این معاونت بابت راهنمایی‌های تخصصی‌شان در این حوزه.

تعارض منافع:

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

ORCID

Mitra Rahnejat



<https://orcid.org/0000-0002-2231-142x>

Fatemeh Khorshidi



<https://orcid.org/0009-0000-8238-5837>

منابع

- آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی. (۴ مرداد ۱۳۸۴). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اقتباس از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/124218>.
- استافل‌بیم، دانیل آل. (۱۳۸۹)، *درآمدی بر الگوهای ارزشیابی*، ترجمه: غلامرضا یادگارزاده، آرش بهرامی، کورش پرند، تهران: نشر یادواره کتاب، چاپ دوم.
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۹۷)، *راهنمای برنامه‌ریزی دولتی و سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول.
- امیری، عبداللطیف؛ رحیمی، روح‌اله و فقیه حبیبی، علی. (۱۴۰۳)، «منع کار کودک در چارچوب مقاله نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار و حقوق کار افغانستان و ایران»، *فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی*، سال سوم، شماره ۱۱: ۵۶-۷۱.
- تولایی، حسین؛ رفیعی، حسن و بیگلریان، اکبر. (۱۳۸۸)، «رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۵: ۳۰۱-۳۳۶.
- خواجه‌نایینی، علی؛ هاشمی، صفیه‌سادات. (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی سیاست‌های ساماندهی کودکان خیابانی در ایران»، *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۱۰، شماره ۳: ۱۴۲-۱۶۲.
- خنیفر، حسین. مسلمی، ناهید. (۱۳۹۸)، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: نشر نگاه دانش، چاپ چهارم.
- سالاریان، فاطمه؛ معیدفر، سعید و زاهدی اصل، محمد. (۱۴۰۱)، «تحلیل برنامه‌های مداخله دولتی در حوزه کودکان کار؛ یک خوانش انتقادی»، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۳۱: ۱-۴۱.
- سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی. (۱۳۷۸)، *طرح مراکز شناسایی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی*، تهران، سازمان بهزیستی کل کشور.
- سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی. (۱۳۸۱)، *طرح ساماندهی بیست هزار کودک خیابانی*، تهران، سازمان بهزیستی کل کشور.
- سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی. (۱۳۸۱)، *طرح مهمانسرا (پناهگاه) سلامت کودکان خیابانی*، تهران، سازمان بهزیستی کل کشور.

- سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی. (۱۳۸۲)، طرح حمایت از کودکان کار (مرحله اول، کودکان کار خیابانی)، تهران، سازمان بهزیستی کل کشور.
- طرح شناسایی و جمع‌آوری افراد متکدی. (۲۵ خرداد ۱۳۷۸). وزارت کشور، مصوبه شورای عالی اداری، اقتباس از <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/129749>.
- سبزی خوشنامی، محمد؛ محمدی، الهام؛ عرشی، ملیحه؛ تکفلی، مرضیه و نوروزی، سارا. (۱۳۹۸)، «شناخت اثرات طرح ساماندهی کودکان خیابانی در سایه چالش‌های آن»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۱: ۷۵-۱۳۲.
- شناسایی و ساماندهی کودکان کار و خیابانی، سازمان بهزیستی کل کشور. (۱۸ آذر ۱۳۹۹)، اقتباس از <https://www.behzisti.ir/news/23540>.
- شیشه‌گران، مریم؛ حاجی ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۹۷)، «بررسی بزه دیده شناختی کودکان کار»، فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار، دوره ۲، شماره ۸: ۴۷۷-۵۰۶.
- قانون کار جمهوری اسلامی ایران. (۲۹ آبان ۱۳۶۹)، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، اقتباس از <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99612>.
- ملتفت، حسین؛ شهریاری، مرضیه و حزباوی، عزیز. (۱۴۰۰)، «تحلیل وضعیت و پیامد عادت‌واره‌های کودکان از کار در خیابان با رهیافت نظریه داده بنیاد»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۵: ۳۱-۷۰.
- نقی‌زاده، محدثه؛ میوه‌یان، میلاد. (۱۳۹۷)، کودکان کار، معضلی بین‌المللی. تهران: نشر انتشارات فرزندگان، چاپ دوم.

- Athena K, Ramos. (2018). "Child Labor in Global Tobacco Production: Human Rights and the Social Determinants of Health". *Health and Human Rights Journal*, 20(2), 235-248.
- Convention on the Rights of the Child, United Nations. (1989). Convention on the Rights of the Child | UNICEF.
- "Child labour, Global estimates 2020, trends and the road forward". (2021). *International Labour Organization and United Nations Children's Fund (ILO&Unicef)*, [wems_797515.pdf](https://www.ilo.org/public/what/doing/child_labour/child_labour_estimates_2020) (ilo.org).
- "Ending Child Labour through a Multisectoral Approach". (2021). *Unicef*, <https://www.unicef.org/media/111686/file/Child%20Labour%20Brief%20Dec%202021%20Final.pdf>.

- "Endline knowledge, attitudes and practices (KAP) study on child labour in Myanmar 2022: Analytical report". (2024), Yangon: **International Labour Organizatio**. <https://www.ilo.org/sites/default/files/2024-10/Endline-KAP-study-on-child-labour-in-Myanmar-report-2022-eng.pdf>.
- Flavia Alves, Ana C. Dammert (2025). "Meta-analysis of the effects of interventions on child labour", **International Labour Office**. https://www.ilo.org/sites/default/files/wcmsp5/groups/public/%40ed_norm/%40ipe/c/documents/publication/wcms_907137.pdf.
- International Labour Organization and United Nations Children's Fund, Child Labour: (2025). "Global estimates 2024, trends and the road forward", **ILO and UNICEF**. <https://www.ilo.org/sites/default/files/2025-06/2024%20Global%20Estimates%20of%20Child%20Labour%20Report.pdf>.
- ILO; "International Year for the Elimination of Child Labour", (2021), Geneva, Retrieved from Child labour: 2021: International Year for the Elimination of Child Labour (ilo.org).
- Mantiaba, Coulibaly-Ballet, Allison, Loconto. (2024). "The Sustainable Cocoa Debate: Key controversies". **Journal of Fair Trade**, 5(2), 141-155.
- Vameghi, Meroe. (2019). "Population Size Estimates of Street Children in Iran: Synthesis of Multiple Methods", **Journal of Urban Health**, 96, 549-557.
- "Minimum Age Convention, 1973 (No. 138)". (1973).
- https://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:12100:0::NO:12100:P12100_INSTRUMENT_ID:312283:NO.
- Patrick M. Emerson, Vladimir Ponczek, Andre Portela Souza. (2017). "Child Labor and Learning", **Economic Development and Cultural Change**, 65(2), 265-296.
- Rabail. Tanveer, Zonera Khalid. (2025). "Child Labor is Common in Agricultural Trade, Assist in Households' Burden KP Pakistan", **Social Science Review Archives**, 3(1), 3006-4708.
- Radfar. Amir, Asgharzadeh. Seyed Ahmad. (2018). "Irina. Challenges and perspectives of child labor", **Industrial Psychiatry Journal**, 27(1), 17-20.
- "Worst Forms of Child Labour Convention, 1999 (No. 182)", (1999). Convention C182 - Worst Forms of Child Labour Convention, 1999 (No. 182) (ilo.org).

استناد به این مقاله: راه نجات، میترا و خورشیدی، فاطمه. (۱۴۰۴). موانع چندبعدی کاهش کار کودک در ایران در چارچوب اجرای طرح ساماندهی کودکان خیابانی، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۱۲(۴۳)، ۸۵-۱۱۹.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.